

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلامی ۶



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على
نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين أما بعد:

از ابو عبدالرحمن عبدالله بن عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده که فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَحَجُّ الْبَيْتِ وَصَوْمُ رَمَضَانَ» «اسلام بر پنج اصل بنا نهاده شده است: 1. شهادت به

این که هیچ معبود به حقی جز خداوند متعال وجود ندارد و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست (شهادت به لا اله الا الله محمد رسول الله) 2. برپا داشتن نماز 3. پرداخت زکات 4. حج خانه خدا 5. روزه ماه مبارک رمضان». (بخاری و مسلم)

توضیح:

اسلام در حقیقت عبارت است از پیروی نمودن از فرستادگان خداوند صلی الله علیه و آله که خداوند به آن ها در همه ی زمان ها شریعت هایی داده است. مسیر پیامبران همان مسیری که خداوند از انسان ها می خواهد در آن مسیر حرکت کنند. پس اسلام برای قوم موسی همان تبعیت از تورات بود و اسلام برای قوم عیسی نیز عبارت بود

از آن چه که در انجیل نازل شده بود و اسلام برای قوم ابراهیم پیروی از دلایل و هدایتی بود که از طرف خداوند آمده بود تا زمانی که خاتم انبیاء، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به پیامبری رسید که خداوند به وسیله وی دین را کامل کرد آن گاه خداوند برای هیچ احدی راضی نشد که به غیر از دین اسلام - محمد پیامبر آن بود - از دین دیگری تبعیت کند. خداوند عزوجل می فرماید: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» «هرکس غیر از اسلام دینی را اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نمی شود و در آخرت از زیان کارن است». (آل عمران 85) پس تمام انسان ها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله ملزم به پیروی از این دین هستند. دینی که خداوند راضی به پیروی کردن تمام بندگان از آن می باشد.

از طبیعت این دین - دینی که خداوند ما را ملزم به پیروی از آن کرده است - این است که: تمام جهان را در بر گرفته است (دینی جهانی است)؛ برای همه ی زمان ها و مکان ها شایسته است؛ شامل و کامل می باشد؛ در قواعدش راسخ و در اصولش استوار است. و این جا است که پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث مذکور، دین اسلام را به

بنایی محکم و ساختمانی آشکار تشبیه می کند سپس پیامبر در حدیث، ارکانی که بنای اسلام بر آن قرار گرفته است را بیان می دارد.

اولین و بزرگ ترین این ارکان ، کلمه توحید از دو جهت می باشد: " لا اله الا الله ، محمد رسول الله " و

آن کلیدی است که فرد با آن در دایره دین قرار می گیرد و به وسیله آن مستحق باغ های پر نعمت (بهشت) می گردد. معنای " لا اله الا الله " عبارت است از (شهادت به زبان و اقرار با قلب و عمل) به این که هیچ کس شایسته عبادت نیست مگر خداوند مبارک و متعال.

پس غیر خدا را عبادت نمی کنیم و به غیر او امید نمی بندیم و تنها به او توکل می کنیم. پس هنگامی که بنده به این کلمه که مستلزم رعایت مقتضیات آن از اعمال صالح می باشد، ایمان آورد خداوند هنگام مرگ شخص را ثابت قدم و زبانش را صاف و روان می گرداند تا آن جا که (لا اله الا الله) آخرین چیزی است که به وسیله آن با دنیا وداع می کند و آن را بر زبان می آورد، و هر کس آخرین کلامش **لا اله الا الله** باشد بهشت برای او واجب می گردد.

اما شهادت دادن به " محمد رسول الله " معنی آن این است که ایمان داشته باشیم به این که محمد فرستاده

خداوند متعال است و بشارت دهنده و انذار کننده تمام مردم می باشد آن چنان که خداوند متعال می فرماید:

﴿قُلْ يَتَّيِّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ «بگو

ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن اوست هیچ معبودی [به حق] جز او نیست که زنده می کند و می میراند پس به خدا و فرستاده او که پیامبر در س نخوانده ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد بگروید و او را پیروی کنید باشد که هدایت شوید» (اعراف 158)

و از مقتضیات این شهادت این است که ایمان داشته باشیم به این که شریعت محمد ﷺ مثل سایر ادیان پیشین از بین نمی رود. و بدین خاطر است که پیامبر ﷺ سوگند می خورد و می فرماید: (وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ أُرْسِلَتْ بِهِ إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ) «قسم به کسی

که نفس محمد در دست اوست هیچ فردی از این

مجمع که دعوت من به آن ها می رسد یهودی یا

نصرانی باشد ممکن نیست آن را بشنود و به آن چه به

خاطر آن فرستاده شده ام، ایمان نیاورد و سپس بمیرد

جز این نیست که از یاران آتش می باشد». رواه مسلم

از مقتضیات ایمان به " محمد رسول الله " این است که

ایمان داشته و معتقد باشیم هر کسی که پیامبر ﷺ را

تصدیق نکند و از دینش پیروی ننماید بدون شک او

خسارتمند دنیا و آخرت می شود و خداوند هیچ انفاق

و بخششی را از آن ها قبول نمی نماید خواه او از دینی

منسوخ یا تحریف شده تبعیت کند یا به هیچ دینی پایبند

نباشد. پس نجات و رستگاری در روز قیامت جز با

تبعیت از دین اسلام و پیروی از اشرف مخلوقات یعنی

پیامبر ﷺ، ممکن نیست.

توجه کنید که پیامبر اکرم ﷺ شهادتین را در رکن

واحدی قرار داده است و اشاره می کند که عبادت جز

به وسیله این دو امر:

1. اخلاص برای خدوند که در بر گیرنده شهادت به لا

اله الا الله است

2. پیروی از پیامبر ﷺ که مقتضی این است محمد

ﷺ فرستاده خداست، کامل نمی گردد.



رکن دوم: بر پا داشتن نماز که بر بندگان فرض شده است. نماز، ارتباط بین بندگان با خدا و مناجات برای خالقش می باشد و توشه ای روحی است که آتش نفس های تشنه به سوی نور خدا را خاموش می کند پس قلب را نورانی و سینه را گشاده می گرداند.

نماز جایگاه عظیمی در دین دارد چنان که رکن دوم از ارکان اسلام را تشکیل می دهد و اولین چیزی است که در روز قیامت از انسان بازخواست می شود و به راستی خداوند آن را بر پیامبرش ﷺ در بالاترین جایگاهی که بشر به آن می رسید فرض کرد و در یکی از بهترین شب ها یعنی در شب معراج در آسمان هفتم خداوند آن را واجب نمود پس بر مسلمان در همه ی حالات، در صلح و جنگ، سلامتی و بیماری واجب شد و جز در حالت دیوانگی و از دست دادن عقل از گردنش ساقط نمی گردد.

هم چنین نماز نشانه ی جدایی بین کافر و مسلمان است و آن چه در حدیث جابر ﷺ آمده بر این امر دلالت می کند. پیامبر ﷺ می فرماید: **(إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكُفْرِ تَرَكَ الصَّلَاةَ)** «حد فاصل شخص مسلمان با شرک و کفر ترک نماز است». (رواه مسلم)



رکن سوم: پرداخت زکات است که عبارت است از مالی که خداوند بر بندگانش فرض کرده است تا وجودشان را از بخل و آز پاک کنند و خطاهایشان بخشوده شود. به راستی که این گونه است چرا که خداوند متعال در کتابش می فرماید: **﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾** «از اموال آنان صدقه ای [صدقه ای] بگیر تا به وسیله آن [نفس هایشان را] پاک و پاکیزه سازی». (توبه 103)

با پرداخت زکات به مردم نیکی می شود و قلب ها را به هم گره می زند و نیازهایشان را برآورده می کند و مردم را از ذلت گدایی باز می دارد.

در مقابل هرگاه مردم از پرداخت زکات سر باز زنند سبب از بین بردن رحمت و برکت از روی زمین می شود. حدیث بریده ﷺ این گفته را تأیید می کند: **(ما منع قوم الزكاة إلا حبس الله عنهم القطر)** «هیچ قومی از پرداخت زکات سر باز نمی زند مگر این که خداوند از آن ها باران [رحمت] را دریغ می گرداند». (الحاکم و البیهقی)



به راستی که خداوند کسی را که زکات نمی پردازد به عذاب شدیدی در آخرت وعده داده است آن چنان که می فرماید: **﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ﴾** «و کسافی که به آن چه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می ی و ورزند هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است به زودی آن چه که به آن بخل ورزیده اند روز قیامت طوق گردنشان می شود» (آل عمران 180)

در صحیح مسلم در شرح این فرموده الله تعالی که می فرماید: **﴿وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾** «و کسافی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی نمایند ایشان را به عذابی دردناک بشارت ده» (توبه 34) از ابوهریره ﷺ روایت است که می فرماید: **(مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُوَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ صَفَّحَتْ لَهُ صَفَائِحَ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيَكْوَى بِهَا جَنْبَهُ وَجَبِينَهُ وَظَهْرَهُ كُلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيَرَى سَبِيلَهُ إِمَّا إِلَى**

الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى النَّارِ «هیچ صاحب طلا و نقره ای نیست که حق آن را ادا نمی کند مگر این که هنگامی که روز قیامت بیاید ورق پهنی از آتش برایش مهیا شده است پس در آتش جهنم گداخته می شود و به وسیله آن پهلوی، پیشانی و پشتش داغ می شود. هر بار که سرد می شود برای او دوباره گرم می گردد و عمل سوزاندن تکرار می شود در روزی که اندازه آن پنجاه هزار سال است تا این که بین بندگان قضاوت و حساب برپا می شود برخی راهش را در بهشت و برخی به سوی جهنم می بیند» پس با مالی که نسبت به بندگان خسیسی می ورزید از جانب الله تعالی مجازات می شوید.

رکن چهارم: روزه ماه رمضان که ماه بزرگ و عظیمی است که انسان در آن ماه ایمانش را جلا می دهد و عهدش را با خداوند تازه می گرداند. رمضان، ایمان را زیاد و قوی می کند و همتش را برای طی طریق در درگاه عبودیت برای بعد از رمضان، برنده و تیز می گرداند.

برای روزه ماه رمضان فضیلت های بی شماری وجود دارد. همانا الله تعالی کسانی را که از روی ایمان روزه می گیرند و به آن راضی هستند ضمانت می کند به این

که گناهان گذشته آن ها را می بخشد. از فضیلت این ماه برای تو همین کافی است که بدانی پاداش شخص روزه دار به شماره نمی آید.

اما پنجمین رکن: حج بیت الله الحرام که در سال نهم هجری فرض گردید. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ «و برای خدا حج آن خانه بر عهده مردم است [البته بر] کسری که بتواند به سوی آن راه یابد». (آل عمران 97) خداوند آن را برای تزکیه نفس ها فرض کرده است که معانی

بندگی و اطاعت را پرورش می دهد. فضیلت حج در این است که فرصت بزرگی برای بخشیدن گناهان است آن چنان که در حدیث آمده است: (مَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ) «هرکس حج این خانه را به جای آورد پس اگر در آن ناسزا نگوید و معصیت انجام ندهد مانند روزی که از مادرش متولد شده است، می گردد». (بخاری و مسلم)

جمهور علما کلمه رفث را به جماع معنی کرده اند یعنی کسی در حج جماع نکند و معصیت انجام ندهد

مانند روزی که از مادرش متولد می شود، می گردد (یعنی تمام گناهانش بخشیده می شود). (به فتح الباری شرح صحیح بخاری و شرح امام نووی بر حدیث مسلم نگاه شود)

اسلام بر این پنج رکن بنا شده است؛ از خداوند مسئلت داریم ما را به آن چه که موجب رضایت اوست توفیق دهد و احوالمان را اصلاح گرداند زیرا که او بر این کار تواناست و هم او ولی و سرپرست ماست.